

# مبارزه طبقاتی تنها آلترناتیو برای طبقه کارگر



در حاشیه اعتراضات جنبش سبز

## صدای انترناسیونالیستی

E-mail: [contact@internationalistvoice.org](mailto:contact@internationalistvoice.org)

Homepage: [www.internationalistvoice.org](http://www.internationalistvoice.org)

تلگرام: <https://t.me/intvoice>

## مقدمه

در چند ماه گذشته چه اتفاقی در ایران افتاده است؟ آیا جنگ بین گرایش‌های جنایتکار بورژوازی بود؟ آیا انقلاب کمونیستی شروع شده است؟ چطور می‌توان فضای سیاسی ایران را توضیح داد؟ این حوادث چه معنا و مفهومی برای طبقه کارگر دارند؟ برای انترناسیونالیست‌ها این حیاتی و ضروری است که این حوادث را ارزیابی، آنالیز کنند، توضیح دهند و درس بگیرند تا بتوانند افق و عملکرد انترناسیونالیستی موثری ارائه دهند.

## تولد جمهوری اسلامی یک تناقض

شاه، شاه شاهان که یک مهره با اعتماد بطور کلی برای جهان سرمایه داری و بخصوص برای بلوک غرب بود، اعلام کرد که ایران یک جزیره ثبات برای جهان سرمایه داری در خاورمیانه است. سرمایه داری نیازمند یک ایران با ثبات در خاورمیانه است. چونکه ایران یکی از سه کشوری است که بالاترین ذخایر نفت و گاز طبیعی را داراست و همچنین به لحاظ ژئوپولوتیک در یکی از نقاط بسیار حساس جهان قرار گرفته است. جزیره با ثبات در مدت کوتاهی متشنج شد و سرکوب و وحشیانه شاه نتوانست به او کمکی کند تا بر سرکار بماند، بویژه زمانی که اعتصابات طبقه کارگر و دیگر جنبشها در تمامی بخشها شروع شدند مخصوصاً در صنعت نفت. بورژوازی می‌بایست آلترناتیو خودش را برای تداوم و بقا نظام سرمایه داری ارائه بدهد. جمهوری اسلامی محصول ناتوانی بورژوازی جهانی برای ارائه یک آلترناتیو مناسب برای سرمایه ملی برای برپا نگه داشتن نظام سرمایه داری بعد از رژیم شاه بود.

جمهوری اسلامی با تناقض مادر زادی بدنیا آمد. مثل همه جمهوری‌های دیگر در دنیا، جمهوری اسلامی ایران، از یک سو رئیس جمهور، پارلمان، انتخابات دارد و از سوی دیگر یک ولی فقیه (خامنه‌ای) که سایه خدا روی زمین است. ولی فقیه قدرت مافوق قانون دارد و می‌تواند یک رئیس جمهور را عزل کند. خمینی اولین رئیس جمهور ایران بنی صدر را در اول تیر 1360 عزل کرد.

سرمایه نیاز به ثبات برای تامین انباشت سرمایه برای سرمایه گذاران داخلی و خارجی دارد. در درون نظام سرمایه داری اسلامی، همیشه دو نگرش یا گرایش برای رسیدن به این هدف وجود داشته است. امروز، احمدی نژاد تئوکراتها (حکومت خدا) را نمایندگی میکند و موسوی جمهوری خواهان را برای تداوم بقا نظام سرمایه داری در ایران.

## نگرش بورژوازی تئوکرات

این جناح از بورژوازی نگرش سرمایه داری دولتی دارد با نظارت و کنترل اجتماعی بسیار بسته با سیاست خشن و سرکوبگر. آنها پایگاه خودشان را در سپاه پاسداران، بسیج، روحانیت و دستگاه دولتی دارند. این نگرش، سرمایه داری دولتی با سیاست خشن یک فاکتور خطر برای سرمایه گذاران داخلی و خارجی است. جهان غرب همیشه اعلام کرده است که این جناح از بورژوازی باید خودش را با روتین‌های سرمایه داری وفق دهد. بورژوازی غرب و در راس آن بورژوازی آلمان بخاطر اینکه تئوکراتها را مجازات کند ژست دادگاه می‌کونوس را انجام داد. دادگاه می‌کونوس "طی حکمی در بیست و یکم فروردین ماه 1376 حکم بازداشت بین‌المللی وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی ایران حجت الاسلام علی فلاحیان را صادر کرد که مجوز قتل [ترور رهبران کرد] توسط او و با آگاهی مقام معظم رهبری آیت الله علی خامنه‌ای و رئیس جمهور آیت الله

رفسنجانی صادر شده بود." [1] بعد از این بورژوازی با معرفی رئیس جمهور جدید ، خاتمی بعنوان رئیس جمهور "گفتگوی تمدنها" توانست آلترناتیو بهتری برای تقویت و مستحکم کردن نظام سرمایه داری ارائه دهد.

عواقب ، نتایج و مضرات سیاست تئوکراتها فرار سرمایه ها از ایران است. فرار سرمایه از ایران بین سالهای 1367 تا 8/16 1352 میلیارد دلار آمریکا بوده است. درمقابل فقط درسالهای 1385-1384 دویست میلیارد دلار آمریکا بوده ات.[2] خبرگزاری ایسکانیوز ، باشگاه خبرنگاران دانشجویان ایران توضیح داد که علت فرار سرمایه ها از ایران را "سیاست دولت نهم [دولت احمدی نژاد] را باعث ترس سرمایه اعلام کرد.[3]

ما باید تاکید کنیم که این یک گزارش رسمی است و امکان دادن یک آمار یا رقم صحیح امکان ناپذیر است و رقم واقعی بسیار بیشتر از اینها هست. امنیت و تامین شرط ضروری برای اطمینان انباشت سرمایه برای سرمایه گذاران داخلی و خارجی است.

### نگرش بورژوازی جمهوری خواه (رفرمیست)

همانطوری که قبلا ذکر شد ، امروز ، موسوی این نگرش را نمایندگی می کند و معمولا رفرمیست نامیده میشود. موسوی رفرمیست شعار خودش را از "استقلال ، آزادی ، جمهوری اسلامی" به "استقلال ، آزادی ، جمهوری ایرانی" تغییر داده است. [4] چه معنی دارد که رفرمیست باشی؟ دو تن از عناصر مهم و شناخته شده رفرمیست موسوی و حجاریان هستند.

در زمان موسوی بود ، زمانی که او نخست وزیر ایران بود صدها کارگر اعتصابی به زندان انداخته یا بخون تپیده شدند. هزاران زندانی سیاسی زمانی اعدام شدند که موسوی نخست وزیر بود. در زمان موسوی بود که گورستان دسته جمعی (خاوران) از زندانیان سیاسی درست شد.

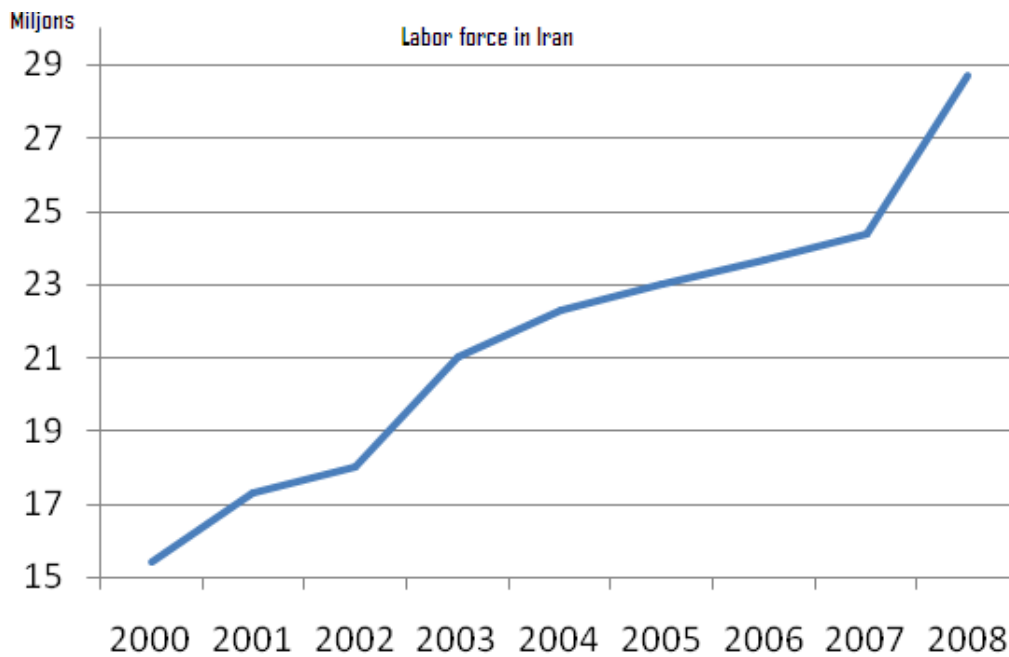
سعید حجاریان ، مغز متفکر رفرمیست ، کسی که یکی از مخوف ترین سازمانهای امنیت جهان را با نام وزارت اطلاعات ایران ساخت و بوجود آورد. "احداث وزارت اطلاعات توسط حجاریان به دولت میر حسین موسوی و سپس به مجلس پیشنهاد شد." [5] ما باید تاکید کنیم که وزارت اطلاعات ایران یکی از مخوف ترین و وحشتناکترین ها در جهان است و درمتهای شکنجه و ترور بسیار بد نام است. موسوی و حجاریان کمتر از احمدی نژاد جنایتکار نیستند زمانی که حقوق کارگران و بشر مطرح میشود.

این جناح از بورژوازی بدنبال خصوصی کردن بخشهایی از صنعت ، گشایشهای بیشتر و فرصتهایی برای سرمایه گذاری جهان غرب و همچنین کاهش کنترلهای اجتماعی است. در یک دنیای ایده آلی این جناح سعی میکند سرمایه ملی را به روتین های سرمایه جهانی وفق دهد تا انباشت سرمایه را تامین کند.

حالا ما این سوال را مطرح میکنیم. آیا در عصر ما امکان انجام اصلاحات اجتماعی وجود دارد؟ جنگ جهانی اول نشان داد که سرمایه داری وارد دوران انحطاط و گندیده گی خود شده است و امکان اصلاحات اجتماعی پایدار دیگر وجود ندارد. گذشته از این ، دیگر اصلاح سرمایه داری امکان پذیر نیست تا زندگی بهتری برای مردم فراهم کرد. و به طبع آن شکل مبارزه برای طبقه کارگر عوض شده است ، مبارزه برای پارلمان ، اصلاحات اجتماعی دیگر شکلی از مبارزه برای طبقه کارگر نیستند. این حقیقت که در عصر ما ، عصر انحطاط و گندیدگی سرمایه ، انتخابات و پارلمان چیزی جز گیج سازی و سردرگمی نیستند و وظیفه اصلی آنها قانونیت بخشیدن به بردگی مزدی است.

## "ژاپن اسلامی" یا بربریت سرمایه داری

هشت سال جنگ ایران و عراق زیر بنا و صنعت ایران را ویران کرده بود. صنعت و زیر بنای ایران نیاز به بازسازی و نوسازی داشت. بعد از اتمام جنگ زمانی که رفسنجانی رئیس جمهور شد، لقب او از سردار عملیاتی به سردار سازندگی تغییر پیدا کرد. او اعلام کرد که ایران به یک کشور مدرن، صنعتی، به لحاظ پیشرفتهای اقتصادی و صنعتی خیلی شبیه ژاپن، یک "ژاپن اسلامی" خواهد شد و اخیراً ولی فقیه (خامنه ای) از ایران بعنوان ژاپن اسلامی نام برد. [6] ایران یکی از کشورهای جهان است که جوانترین جمعیت را داراست. نیروی کار ایران در طول 9 سال اخیر دوبرابر شده است.



Source: <http://www.indexmundi.com> (25 september 2009)

این به مفهوم این است که در هر ماه 125000 فرصت شغلی باید ایجاد شود. به هر حال، در عمل، در چهارچوب نظام سرمایه داری ایجاد این همه فرصت شغلی امکان پذیر نیست. نرخ بیکاری در ایران افزایش پیدا کرده و به 12/5 درصد رسیده است (در دنیای واقعی یا در واقعیت نرخ بیکاری بسیار بالاتر از این رقم و آمار است). [7] در همین حال بانک مرکزی ایران نرخ تورم را 23/5 درصد گزارش کرد، [8] یکی از بزرگترین چالشهای اقتصادی قرن. حقوقهای پرداخت نشده برای صدها هزار کارگر ایرانی برای ماهها یک معضل اساسی است. "همینکه استعمار صاحب کارخانه از کارگران انجام پذیرفت و کارگر سر انجام مزد خویش را بصورت پول نقد دریافت داشت، تازه قسمتهای دیگر بورژوازی مانند صاحب خانه و دکاندار و گروگیر و غیره به جانش می افتند." [9]

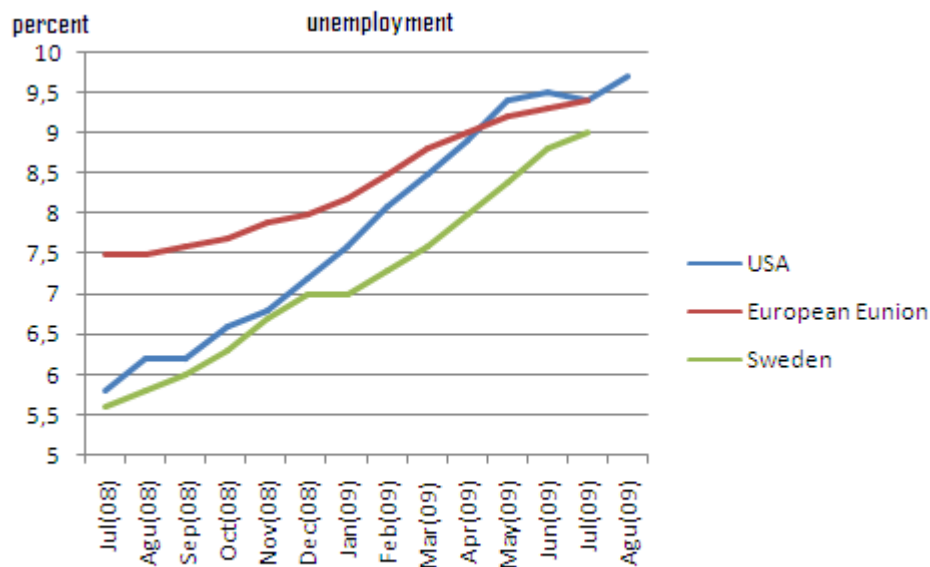
این به این مفهوم است، در واقعیت یک کارگر باید دو یا سه شغل داشته باشد تا بتواند خانواده خود را تامین معاش کند و کابوس بیکاری هرگز رهاش نمیکند. در زندگی واقعی کارگر روزها پی در پی هم کار می کند تا ارزش اضافه برای سرمایه داران تولید کند. نیروی کار یک کالا در سیستم سرمایه داری است اما یک کالای

ویژه ای که قادر به تولید ارزش اضافه است. طبقه کارگر هدف حمله روزانه است. در شرایط امروز ایران ، میلیونها نفر بیکار هستند ، نسل جوان رنج ، مشقت و بدبختی می کشد و هیچ امیدی به این رژیم ظالم سرمایه داری ندارد. طبقه حاکم می داند که نسل جوان برای آنها بیشتر از خطر حمله هوایی اسرائیل یا آمریکا در دسر دارد و خطرناکتر است.

## توهامات دمکراتیک

"مرگ بر دیکتاتور!" شعار معروف نه فقط در خیابانهای تهران ، بلکه در خیابانهای اکثر شهرهای بزرگ بوده است. ترجمان واقعی این شعار "زنده باد دمکراسی!" می شود چیزی که وسایل ارتباط جمعی دمکراسی به این توهامات دامن زده است. علاوه بر این تمامی دولتهای دمکراتیک خشونت پلیس ایران را محکوم کرده اند. اما این سوال مطرح می شود چرا همین وسایل ارتباط جمعی دمکراتیک "باشرف" زمانی که قصابان بورژوازی روزانه در سال 1360 صدها یا هزاران کارگر وزندانی سیاسی را سلاخی می کردند خفه شده بودند.

دمکراسی چه مفهومی دارد؟ نمودار زیرین نشانگر نرخ بیکاری در آمریکا ، اتحادیه اروپا و کشور سوئد است که به شکل وحشتناکی افزایش پیدا میکند.



Source: <http://www.indexmundi.com> (25 september 2009)

دمکراسی یک پدیده حقوقی نیست بلکه ریشه اقتصادی دارد. بیکاری ، اضطراب کار ، فشار و رنج کاری به یک کابوس برای طبقه کارگر در جهان غرب تبدیل شده است. در قلب تپنده سرمایه آمریکا ، برای یک کارگر عادی و معمولی است که دو تا شغل داشته باشد تا بتواند خانواده اش را امرار معاش کند. در مهد تمدن بورژوازی ، فرانسه ، اضطراب کاری ، رنج و مشقت ناشی از کار عاملی برای موجی از خودکشی ها بوده است. "در موجی از خودکشی کارکنان که بیش از 20 کارگر در 18 ماه گذشته خودکشی کرده اند - نامه هائی بجا گذاشته اند که علت خودکشی شان اضطراب کار و فشار ناشی از کار بوده است. [10] رقم واقعی نه بیست تا بلکه بیست و سه نفر بوده است. در بهشت سرمایه داری که به جامعه سوسیال دمکراسی معروف است ، سوئد ، جائی که سوسیال دمکراتها بیش از صد سال بر سر کار بوده اند ، بیکاری یک کابوس برای طبقه کارگر بوده

است. نرخ بیکاری به شکل وحشتناکی در سوئد در سالهای آینده افزایش خواهد یافت. موسسه ملی تحقیقات اقتصادی در سایت خود منتشر کرد "در دوره آتی پیش بینی می شود نرخ بیکاری افزایش یابد، در سال 2010 میلادی نرخ بیکاری به 11/6 درصد افزایش می یابد تا سپس در سال 2011 میلادی به 11/8 درصد برسد." [11]

برای ما، دمکراسی سرمایه داری و دیکتاتوری سرمایه داری دو روی همان سکه هستند. دمکراسی سرمایه داری نه یک بهشت برای طبقه کارگر بلکه همان جهنم برای سایر استثمار شدگان در کشورهای دیکتاتوری است. دمکراسی نه یک افق برای ما بلکه یک تله و نیرنگ بزرگ برای طبقه ماست.

## چپ سرمایه

بعد از سیرک انتخابات در ایران، که منتهی به تخصیصاتی بین گرایشهای جنایتکار بورژوازی شد، جریانات سیاسی بسته به تعلق طبقاتیشان مواضع متفاوتی گرفتند. چپ سرمایه مثل همیشه سعی کرد نقش خودش را به شکل موثری ایفا کند. حزب توده، فدائیان اکثریت به سخنگویان مستقیم موسوی تبدیل شدند. بخش کلام رادیکال چپ و در راس آن حزب "کمونیست" "کارگری" ایران شروع انقلاب را اعلام کرد و حتی رهبرانقلاب (حمید تقوایی) را معرفی کرد و به شکل دیگری تخصیصات بورژوازی را تقویت کرد.

همچنین، از دیگر فعالیتها و اقدامات چپ سازمان دادن تظاهراتهای خیابانی بوده که می خواستند به مردم نشان بدهند چه اتفاقاتی در ایران می افتد. بعنوان مثال، آنها از خلاقیتهای زیادی استفاده کردند تا به دنیا، سازمان ملل متحد و سازمان جهانی کار نشان دهند در ایران چه حوادثی رخ میدهد. یکی از مطالبات آنها بستن سفارتخانه های جمهوری اسلامی در سراسر جهان است بخاطر آن که آنها معتقدند سفارتخانه های جمهوری اسلامی آژانسهای اطلاعاتی و جاسوسی هستند. یا اخراج نمایندگان جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار. به هر حال بسیار روشن است که سازمان ملل متحد فقط لانه کرکسان است. این فعالیتها و عملکردهای چپ بسیار مناسب سیاست جهان غرب برای تحت فشار قرار دادن رژیم ایران است.

در فقدان یک مواضع مستحکم انترناسیونالیستی در فضای سیاسی ایران، چنین جریاناتی که بعنوان احزاب چپ فعالیت می کنند، مبارزات مردم را منحرف می کنند و در واقعیت منافع بورژوازی را تامین می کنند و در نهایت می خواهند خودشان را بعنوان رهبران چپ و کارگران معرفی کنند.

## مبارزه طبقاتی تنها آلترناتیو برای طبقه کارگر

طبقه کارگر در ایران شرایط بسیار سخت و دشواری را روزانه تجربه می کند. آنها سالهاست که با چنین شرایطی دست و پنجه نرم می کنند. این وضعیت و سطح زندگی نه تنها بهبود نیافته بلکه با اوضاع سیاسی بدتر هم شده است. در چند سال گذشته، طبقه کارگر تا حدودی رادیکال شده است و علیرغم سرکوب خشن رژیم دهها اعتراض و اعتصاب را در سراسر کشور سازمان داده است.

مسلمانان کارگران در اعتراضات اخیر در خیابانها بوده اند اما آنها بعنوان افراد عمل کرده اند نه بعنوان یک طبقه اجتماعی. تنها واکنش نیروی جمعی در برابر سرکوب از سوی کارگران ایران خودرو و رانندگان شرکت واحد بوده است. ما نباید بعنوان گوشت دم توپ در تخصیصات بورژوازی شرکت کنیم. ما باید مبارزه مان را گسترش بدهیم، مستقل از دستجات جنایتکار بورژوازی، علیه سرمایه داری. شعار ما باید علیه بردگی مزدی، استثمار، بیکاری و تورم باشد. ما فقط باید بخاطر منافع طبقاتی مان بجنگیم.

سرمایه داری منشأً تمامی نابسامانی ها و بدبختی ها در سراسر جهان است. منافع ما در این نیست مثل چیزی که در سال 1357 اتفاق افتاد فقط طبقه حاکم را عوض کنیم بلکه در مبارزه طبقاتی و هدف ما باید برای نابودی کل سیستم سرمایه داری نشانه گیری شود. این تنها از یک افق انترناسیونالیستی امکان پذیر است. ما چیزی برای از دست دادن نداریم جز زنجیرهایمان و جهانی که بدست می آوریم!

مسئولیت انقلابی ما شرکت در مبارزه طبقاتی و کمک به ساختن سازمان انقلابی با هدف شرکت در ساختن حزب کمونیست انترناسیونالیست، همچون یک سلاح ضروری برای پیروزی انقلاب کمونیستی است.

طبقه کارگر تنها طبقه اجتماعی است که می تواند به بربریت و وحشیگری سرمایه داری پایان دهد. این آلترناتیو را که کمونیستها قبلاً پیشنهاد کرده بودند بیش از هر زمان دیگری معتبر است:

**"انقلاب کمونیستی یا نابودی بشریت!"**

صدای انترناسیونالیستی

13 مهر 1388

- 
- 1 [http://en.wikipedia.org/wiki/Mykonos\\_restaurant\\_assassinations](http://en.wikipedia.org/wiki/Mykonos_restaurant_assassinations)
  - 2 <http://iscanews.ir/fa/PrintableNewsItem.aspx?NewsItemID=219653>
  - 3 <http://iscanews.ir/fa/PrintableNewsItem.aspx?NewsItemID=219653>
  - 4 Asia Times Online, **Aug 22, 2009**
  - 5 [http://en.wikipedia.org/wiki/Ministry\\_of\\_Intelligence\\_of\\_Iran](http://en.wikipedia.org/wiki/Ministry_of_Intelligence_of_Iran)
  - 6 <http://www.revver.com/video/641815/khamenei-on-iran-being-islamic-japan/>
  - 7 <http://www.presstv.ir/detail.aspx?id=91586&sectionid=351020102>
  - 8 [http://www.business24-7.ae/Articles/2009/6/Pages/07062009/06082009\\_218f04ab9fce4f76b638c0ab942cadfd.aspx](http://www.business24-7.ae/Articles/2009/6/Pages/07062009/06082009_218f04ab9fce4f76b638c0ab942cadfd.aspx)
  - 9 <http://www.marxists.org/archive/marx/works/1848/communist-manifesto/ch01.htm#007>
  - 10 <http://www.guardian.co.uk/world/2009/sep/09/france-telecom-staff-suicides-phone>
  - 11 <http://www.konj.se/sidhuvud/inenglish/economicconditionsinsweden/economicconditionsinsweden/unemployment.4.caf6c1f8a90236a77fff1162.html>